

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَأَنْتَ اللَّهُمَّ  
إِنَّكَ حَسْبُنَا  
وَأَنْتَ اللَّهُمَّ  
إِنَّكَ حَسْبُنَا

باسمه تعالی



### تهدنامه اصالت اثر

اینجانب **مریم سیدزیدی** مدیر معتمد می‌شوم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان‌نامه/رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه تربیت مدرس شهید رجایی می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

**مریم سیدزیدی**  
امضاء



دانشکده علوم انسانی

## هنجار‌گریزی در شعر نیما یوشیج

نگارش

مریم سیوندی پور

استاد راهنما: دکتر علی اکبر افراسیاب پور

استاد مشاور: دکتر یدالله بهمنی مطلق

پایان نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

بهمن ۱۳۹۰

شماره: ۱۰۴۳۰۴  
تاریخ: ۹۰/۱۱/۱۷  
پوست:



بیت

دانشگاه شهید بهبهانی

صورتجلسه دفاع پایان نامه تحصیلی دوره کارشناسی ارشد

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد خانم مریم سیوندی رشته زبان و ادبیات فارسی تحت عنوان هنجارگریزی در شعر نیما یوشیج، که در تاریخ ۹۰/۱۱/۱۷ با حضور هیأت محترم داوران در دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی برگزار گردید و نتیجه به شرح زیر اعلام گردید.

قبول (بادرجه بسیار خوب) امتیاز (۱۸/۱۸)  دفاع مجدد  مردود.

۱- عالی (۱۹-۲۰)

۲- بسیار خوب (۱۸-۱۸/۹۹)

۳- خوب (۱۶-۱۷/۹۹)

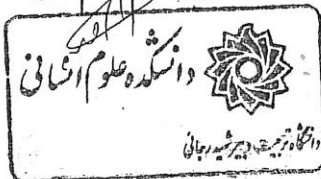
۴- قابل قبول (۱۴-۱۵/۹۹)

۵- غیر قابل قبول (کمتر از ۱۴)

امضاء	مرتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای
	استادیار	دکتر علی اکبر افراسیاب پور	استاد راهنما
	استادیار	دکتر یداله بهمنی	استاد مشاور
	استادیار	دکتر رسول چهارقانی	استاد داور داخلی
	استادیار	دکتر شیرزاد طائفی	استاد داور خارجی
	استادیار	دکتر رضا نجاتی	نماینده تحصیلات تکمیلی

دکتر ظاهری احمدی

رئیس دانشکده علوم انسانی



تهران، لویزان، کد پستی ۱۵۸۱۱-۱۶۷۸۸  
صندوق پستی: ۱۶۳-۱۶۷۸۵  
تلفن: ۹-۶۰۰۶۰۶-۲۲۹۷  
فکس: ۲۲۹۷-۲۳  
Email: sru@sru.ac.ir  
www.sru.ac.ir

تقدیم به :

ہمسرم، بہ پاس مہربانی ہامی بی دینغش

و پدرم، بہ پاس فداکاری ہامی بی نظیرش

روح بلند نیما یوشیج

کہ صدای منحنی عالم و رونق آئندہ بودہ.

سپاسگزاری:

## عیب است ولیکن نهراست از موری ران ملخی نزد سلیمان برون

جناب آقای دکتر افراسیاب پور (استاد راهنمای محترم): سخت است ستودن مراتب بلند شما در این مختصر. اما بهانه‌ای شد تا در پشت الفاظی هرچند نارسا، مراتب تشکر و قدردانی از شما استاد گرانقدر را به عمل آورم.

جناب آقای دکتر بهمنی مطلق: از شما به عنوان استاد مشاور در به انجام رسانیدن این مختصر، کمال سپاسگزاری و تشکر دارم. بدیهی است اگر راهنمایی‌های بی‌دریغ شما نبود، هرگز موفق به انجام آن نمی‌شدم.

جناب آقای دکتر چهرقانی منتظر (استاد ارجمند و مدیر گروه محترم رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی): مهربانی و صبر بی‌نظیر شما، تحسین برانگیز است. از شما به پاس تمام تلاش‌هایتان در به انجام رسانیدن این رساله و رساله‌ی سایر دوستان، کمال تشکر و قدردانی را دارم. بی‌شک وجود شما، چراغ راه همه‌ی ماست.

سرکار خانم دکتر رنجبر: دشوار است گنجاندن بزرگواری‌های شما در این الفاظ کوتاه، اما اکنون به رسم استادی و شاگردی، دستان پر مه‌رتان را بوسه می‌زنم و از شما به خاطر تمام راهنمایی‌هایتان در این چند سال اخیر سپاسگزاری می‌کنم.

سرکار خانم لاله امیدی پور: از همراهی‌ها و محبت‌های بی‌دریغ شما کمال تشکر را دارم. همواره از شما به عنوان برگ سبزی در زندگی‌ام، یاد خواهم کرد.

## چکیده

در ادبیات، پیام‌های بسیاری وجود دارد که قواعد نحوی یا کلامی، یعنی قواعد ترکیب و هم‌نشینی واژگان یا ساخت‌ها را در زبان مخدوش می‌سازد. شکستن یا گذر از این قواعد، مخاطب را متوجه پیام جدیدی می‌سازد. به ویژه در حوزه‌ی معنا، تخطی از قواعد و هنجارهای معنایی زبان، محتوای جدیدی را به ذهن شنونده یا خواننده القا می‌کند. زبان ادبی معمولاً به طور آگاهانه و عمدی، فراتر از هر قاعده‌ای می‌رود و به این اعتبار شاید بتوان ادبیات را به معنای گریز از اقتدار زبان و انقلاب مداوم زبان، خواند و شعر را گذر از یک معنا به معناهای بی‌شمار.

فرا هنجاری دستوری، هنجار گریزی، نحو ستیزی، کژتابی، عدول از هنجار، برجسته سازی و... اصطلاحاتی است که طی چند دهه‌ی اخیر به محافل ادبی و متون نقد ادبی، راه یافته است. پژوهش حاضر نگاهی دارد به انواع هنجارگریزیها در شعر نیمایوشیج، و بر آن است که با تعریف این اصطلاحات و ارائه‌ی نمونه‌ها و مصداق‌های عینی از این شاعر صاحب سبک ایران، کارکردهای این پدیده را به شیوه‌ای توصیفی - تحلیلی به نمایش گذارد، اما قبل از آن در ابتدای رساله به بررسی زندگی و آثار نیما و ویژگی‌های شعر و هنر او پرداخته شده و همچنین سبک شعری وی، یادآوری شده و نیز موارد خاص زبانی او در اشعارش ذکر گردیده است. قبل از توضیح انواع هنجارگریزیها، نگاهی گذرا صورت گرفته است به ویژگی‌های شعر نو و فرمالیسم روسی و صورت‌گرایی. بعد از توضیح انواع هنجارگریزی، اشاره‌ای به ۲۳ شعر منتخب نیما یوشیج شده و این اشعار از لحاظ دارا بودن انواع هنجارگریزیها مورد بررسی قرار گرفته است و با آوردن نمودار بسامد وقوع هر یک از این انواع و نیز نمودار درصد آن، این رساله به اتمام رسیده است.

## واژه‌های کلیدی:

شعر معاصر، نیما یوشیج، هنجارگریزی، صورت‌گرایی، قاعده‌افزایی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: طرح مسئله
۲	۱-۱ پیشگفتار
۲	۲-۱ بیان مسئله
۳	۳-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق
۳	۴-۱ اهداف تحقیق
۴	۵-۱ قلمرو تحقیق
۴	۶-۱ سؤالات و فرضیه‌ی تحقیق
۵	فصل دوم: ادبیات تحقیق
۶	۱-۲ مقدمه
۸	۲-۲ نگاهی گذرا به زندگی و آثار نیما یوشیج
۲۳	۳-۲ ویژگیهای شعر و هنر نیما یوشیج
۲۵	۴-۲ نیما و شیوه‌ی خراسانی
۲۸	۵-۲ موارد خاص زبانی
۳۱	۶-۲ در آستانه‌ی شعر نو
۳۴	۷-۲ نیما یوشیج، شاعر افسانه
۳۷	۸-۲ شعر فارسی بعد از مشروطه
۴۱	فصل سوم: ویژگیهای شعر نیمایی
۴۲	۱-۳ صور خیال در شعر
۴۶	۲-۳ خصایص شعر نیمایی
۵۰	۳-۳ انقلاب نیما در محتوا
۵۱	۴-۳ نیما در حدیث دیگران
۵۲	۵-۳ فرمالیسم روسی
۶۶	۶-۳ فرمالیسم‌های متأخر
۶۸	۷-۳ صورتگرایی
۷۳	۸-۳ هنجارگریزی واژگانی
۷۵	۹-۳ هنجارگریزی نحوی



۷۶	۱۰-۳ هنجارگریزی آوایی
۷۶	۱۱-۳ هنجارگریزی نوشتاری
۷۹	۱۲-۳ هنجارگریزی گویشی
۸۰	۱۳-۳ هنجارگریزی سبکی
۸۱	۱۴-۳ هنجارگریزی زمانی (باستان‌گرایی)
۸۳	۱۵-۳ هنجارگریزی معنایی
۸۶	<b>فصل چهارم: هنجارگریزی ادبی و نیما یوشیج</b>
۸۷	۱-۴ هنجارگریزی در هنر و ادبیات
۹۱	۲-۴ هنجارگریزی در زبان ادبی
۹۲	۳-۴ هنجارآفرینی
۹۵	۴-۴ زبان ادبی
۱۰۱	۵-۴ برجسته‌سازی ادبی
۱۰۴	۶-۴ هنجارگریزی ادبی
۱۱۰	۷-۴ قاعده‌افزایی
۱۱۱	۸-۴ گونه‌های زبان ادبی
۱۱۶	۹-۴ انقلاب در جهان کلمات
۱۲۷	۱۰-۴ مسالهی زبان در شعر نیما
۱۳۲	۱۱-۴ تصرفات زبانی
۱۴۸	۱۲-۴ اسباب و علل هنجارگریزی‌های زبانی
۱۵۸	۱۳-۴ هنجارگریزی معنایی
۱۶۲	۱۴-۴ هنجارگریزی نحوی
۱۶۶	۱۵-۴ هنجارگریزی زمانی
۱۶۷	۱۶-۴ هنجارگریزی گویشی
۱۶۸	۱۷-۴ هنجارگریزی سبکی
۱۶۸	۱۸-۴ هنجارگریزی واژگانی
۱۶۹	۱۹-۴ هنجارگریزی آوایی
۱۷۲	۲۰-۴ اشعار منتخب
۱۷۲	۱-۲۰-۴ هست شب
۱۷۲	۲-۲۰-۴ شب همه شب

۱۷۳	۳-۲۰-۴ منت دونان
۱۷۳	۴-۲۰-۴ قصه‌ی رنگ پریده
۱۹۰	۴-۲۰-۵ افسانه
۲۱۲	۴-۲۰-۶ بر سر قایقش
۲۱۳	۴-۲۰-۷ تو را من چشم در راهم
۲۱۳	۴-۲۰-۸ کک کی
۲۱۴	۴-۲۰-۹ سیولیشه
۲۱۵	۴-۲۰-۱۰ در کنار رودخانه
۲۱۶	۴-۲۰-۱۱ داروگ
۲۱۶	۴-۲۰-۱۲ همه شب
۲۱۷	۴-۲۰-۱۳ ای شب
۲۲۰	۴-۲۰-۱۴ خانه‌ام ابری است
۲۲۰	۴-۲۰-۱۵ یادگار
۲۲۴	۴-۲۰-۱۶ آی آدمها
۲۲۵	۴-۲۰-۱۷ ققنوس
۲۲۸	۴-۲۰-۱۸ مرغ غم
۲۲۹	۴-۲۰-۱۹ وای بر من
۲۳۰	۴-۲۰-۲۰ محبس
۲۴۴	۴-۲۰-۲۱ هاد
۲۴۶	۴-۲۰-۲۲ بر فراز دشت
۲۴۸	۴-۲۰-۲۳ غزل
۲۴۹	<b>فصل پنجم</b>
۲۵۰	۵-۱ نتیجه‌گیری
۲۵۱	۵-۲ پیشنهادها
۲۵۲	<b>منابع و مأخذ</b>
۲۵۹	<b>چکیده انگلیسی</b>

## فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۱۰۳	نمودار (۱)
۱۰۶	نمودار (۲)
۱۱۴	نمودار (۳)
۱۷۱	نمودار (۴)
۱۷۱	نمودار (۵)

فصل اول:

طرح مسأله

## ۱-۱ پیشگفتار

هنجارشکنی و هنجارگریزی، مرزهای غیرمجاز و مجاز برای نوآوری‌های ادبی هستند و میدانی مناسب برای مخالفت‌ها و موافقت‌های ادیبان به شمار می‌آیند. حد و مرزهای این هنجارها همواره مورد اختلاف بوده است. اینکه تا کجا باید از هنجارها پیروی کرد و به آنها پایبند بود و تا کجا می‌توان از آنها گریخت و اینکه مرزهای هنجارشکنی تا کجاست و آیا باعث نمی‌شود که به ادبیات ضربه وارد شود و اینکه اگر هنجارها دست‌نخورده بمانند، چگونه می‌توان به نوآوری و تکامل دست یافت؟ از بحث‌های دامنه‌داری است که در ادبیات همه‌ی ملت‌ها سابقه‌ای طولانی دارد. در ادبیات فارسی نیز همین پایبندی یا عبور از هنجارها همواره مطرح بوده و افرادی که نوآور و نواندیش بوده‌اند، از این مرزها عبور کرده‌اند. بی‌تردید "نیما یوشیج" یکی از همین نوآوران است که از مرزهای هنجارهای رایج عصر خود عبور نموده است. این پژوهش بر آن است تا با مطرح کردن انواع این هنجارگریزی‌ها و آوردن مصداق‌های عینی از اشعار نیما یوشیج، گامی هر چند کوچک در راه شناساندن نیما به عنوان شاعر صاحب سبک و نیز شاعر هنجارگریز سنت‌شکن، به دستداران ادب پارسی بردارد.

## ۲-۱ بیان مسئله‌ی تحقیق

آشنازدایی یا بیگانه‌سازی زبان، تمامی شگردهایی را در برمی‌گیرد که زبان شعر را با زبان نثر و زبان طبیعی و هنجار بیگانه می‌کند و می‌توان آنها را در دو گروه "موسیقیایی و زبان‌شناسیک"، گنجانند. در گروه اول، انواعی از توازن‌های صوتی، جا می‌گیرد که از طریق وزن عروضی، قافیه، ردیف و هماهنگی‌های مختلف صوتی ایجاد می‌گردد.

در گروه دوم مطالبی از قبیل مجاز، بیان پارادکسی، آشنازدایی در حوزه‌ی قاموسی و حوزه‌ی نحو زبان مطرح می‌شود. توجه به خود پیام در شعر و انواعی از آشنازدایی که در آن صورت می‌گیرد، عملاً زبان شعر را برجسته می‌کند و توجه خواننده را چندان برمی‌انگیزد که از معنی غافل می‌شود.

این برجستگی زبان شعر و ادب، گاهی چنان کانون توجه قرار می‌گیرد که بسیاری از ناقدان صورت‌گرا، جنبه‌ی معنایی زبان را نادیده می‌گیرند و اغلب استنباط معنی از شعر را یکسره به خواننده و ذهنیت او، واگذار می‌کنند.

این کوشش هر چند ناچیز، گامی است در راه آشنایی بیشتر با شعر نیما و نمودن مقام راستین او در قلمرو گسترده‌ی شعر فارسی.

### ۳-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجا که نیما را می‌توان سرسلسله‌ی شاعرانی قرار داد که به نوعی گامی فراتر و متفاوت را در راه شعر و زبان شعری فارسی برداشته است و نیز با توجه به این که اندیشه و فکر و طرز بیان و مهم‌تر از همه، نوع قالب شعری که وی ایجاد نمود، در مرحله‌ی اول منجر به جنجال‌های فکری و ادبی شد، ضرورت دارد تا کوششی هرچند کوچک در راه ارائه‌ی تصویری روشن از شعر و میراث شعری وی صورت گیرد. همچنین از آنجا که شعر نیما، به دلیل دارا بودن انواع هنجارگریزی و نیز هنجارافزایی برای خوانندگان، دیریاب است، لازم است تا به بررسی و تحلیل اشعار او پرداخته شود. رساله‌ی حاضر کوششی است در راه نزدیک کردن هر چه بیشتر خوانندگان، به شعر معاصر و شعر نیما یوشیج.

### ۴-۱ اهداف تحقیق

مقایسه‌ی شعر آزاد با شعر سنتی و نیمه سنتی.

آشنایی با انواع هنجارگریزی در شعر نیما.

آشنایی با تقسیم بندی‌های زبان شعری نیما.

آشنایی با اصل برجسته‌سازی در شعر نیما.

### ۵-۱ قلمرو تحقیق

زمینه‌ی تحقیقی این رساله، حوزه‌ی ادبیات معاصر می‌باشد و به طور کلی به بررسی انواع هنجارگریزی در اشعار نو و سنتی نیما یوشیج، شاعر سنت‌شکن ایران، می‌پردازد. در این راستا، نمونه‌های عینی از چند شعر برجسته‌ی نیما، آورده شده و در ذیل دو نمودار بسامد وقوع و درصد انواع هنجارگریزی‌ها، عنوان گردیده است.

## ۱-۶ سوالات یا فرضیات تحقیق

- چه عواملی منجر به ساختارشکنی در ذهن و اندیشه و متعاقباً در شعر نیما شد؟
- آیا مسائل اجتماعی و زندگی شخصی شاعر در، گذر از شعر سنتی به شعر آزاد دخیل بوده است یا نه؟
- هنجارگریزی در شعر نیما به چند نوع تقسیم شده است؟
- انواع هنجارگریزی و برجسته سازی تا چه اندازه در تأثیرگذاری شعر شاعر بر مخاطب مؤثر بوده است؟

فصل دوم:

ادبیات تحقیق



## ۲-۱ مقدمه

اگر چه نقش عوامل فرا ادبی و فرا زبانی نظیر عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی در تحلیل و تفسیر درست و منطقی شعر نیما یوشیج به عنوان یک رسانه عمومی و بیدارکننده، انکار ناپذیر است، نقش و جایگاه خود متن شعری را از دیدگاه صورت‌گرایی و عینی نمی‌توان نادیده گرفت. نیما از آنجا که نماینده-ی یک، سبک مستقل ادبی در حوزه‌ی شعر است، بنا بر پیشینه‌های نظری خود، به یقین در فرم و زبان شعر نوآوری کرده است؛ چرا که سبک شعری او نسبت به سبک‌های قبلی برجسته و متمایز است. بررسی صورت‌گرایانه‌ی متون ادبی با روش‌شناسی منطقی با پیدایش مکتب صورت‌گرایی و مکاتب دیگر حوزه‌ی زبان‌شناسی آغاز شد. صورت‌گرایان روسی، بر این باور بودند که برای نقد متون از دیدگاه زبان‌شناسی باید زبان را از جنبه‌ی عینی و ملموس و با، دیدی علمی و عملی مورد بررسی قرار داد. یکی از مفاهیم مکتب صورت‌گرایی در بررسی متون ادبی و به صورت کلی، زبان ادبی، عنصر برجسته سازی است که تحت عناوینی چون هنجارزدایی و هنجارآفرینی بحث می‌شود. «لیچ»، انواع هنجارگریزی را در هشت مقوله‌ی واژگانی، نحوی، نوشتاری، آوایی، معنایی، گویشی، سبکی و زمانی تقسیم کرده است. در این مختصر، سعی شده است که شعرهای نیمایوشیج از دیدگاه صورت‌گرایی و با دو مفهوم هنجارزدایی و هنجارآفرینی، کاویده شود. پیش فرض تحقیق این است که شعرهای معاصر به صورت عام و شعرهای نیما به سبک خاص، ظرفیت هنجارگریزی بیشتری را دارا می‌باشند.

بررسی و تحلیل متون ادبی در حوزه‌ی شعر، بر اساس دو نگرش کلی و روش‌شناسیک بنا شده است:

الف) نقد سنتی متون که معمولاً به کندوکاو در ویژگی بیرونی متن، نظیر بحث‌های فلسفی، روش شناختی، اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. بررسی بیرونی متون از جمله زندگی‌نامه‌ی شاعر و روابط بینامتنی آثار، به نوبه‌ی خود، جالب و ارزشمند است؛ ولی به نظر می‌رسد، تا حدّی از هدف اصلی نقد منتقدانه‌ی آثار که همانا فهم درست و داوری منطقی آنهاست، فاصله دارد.

ب) تحلیل و نقد زبان‌شناختی یا سبک‌شناسانه‌ی زبان که عمدتاً به ویژگی‌های درونی متن، نظیر ساختار، بافت زبانی، نظام افعال، تکرار، محورهای همنشینی و جاننشینی و همچنین فرآیندهای همنشینی و جاننشینی واژگان بر مبنای یک یا چند نظریه‌ی زبان‌شناختی می‌پردازد. این فرضیه، از صورت‌گرایی روسی تا ساختارگرایی و نقد نو، تقویت و صورت کامل خود را می‌یابد.

فراهنجاری یا انحراف از زبان، اصطلاحی است که «جفری لیچ»، زبانشناس انگلیسی آن را برای ترندهایی به کار برد که موجب برجستگی کلام شاعر می‌شوند و زبان شعر را از سطح زبان معیار فراتر می‌برند؛ همان چیزی که "موکارفسکی" آن را برجسته سازی می‌نامد. به اعتقاد وی، زبان معیار (زبان علم) از برجسته سازی اجتناب می‌کند؛ اما در شعر، زبان ارتباطی به پس‌زمینه رانده می‌شود تا زبان خود را به نمایش بگذارد، ولی به هر حال نمی‌توان تمام عناصر زبان را برجسته ساخت. (موکارفسکی، ۱۳۷۱، ص ۹۰)

در این پژوهش سعی بر آن است تا با تعریف و توضیح انواع این فراهنجاری‌ها، به بررسی نمونه‌های مختلف آن در شعر نیما پرداخته شود. در فصل اول، بعد از طرح مسئله و پیشگفتار به اهمیت و ضرورت تحقیق و اهداف آن اشاره شده است.

در فصل دوم، بعد از ذکر مقدمه، نگاهی گذرا به زندگی و آثار نیما صورت گرفته و همچنین ویژگی‌های شعر و هنر وی و نیز سبک شعری و موارد خاص زبانی او از نظر گذرانیده شده است.

در فصل سوم، به خصایص شعری خاص نیما پرداخته شده و بعد از توضیحاتی در مورد صورت‌گرایی و فرمالیسم روسی به مهم‌ترین قسمت این رساله که بررسی انواع هنجارگریزی است، می‌رسیم.

فصل چهارم، که تقریباً شامل تمامی نکات مهم است، با توضیح انواع فراهنجاری‌ها و گونه‌های زبان ادبی، نمونه‌های عینی، از این فراهنجاری‌ها از ۲۳ شعر منتخب نیما آورده شده و با ارائه‌ی دو نمودار، به بحث، خاتمه داده شده است. (۲۳ شعر نیما شامل شعرهای، مثنوی رنگ‌پریده، منت دونان، ای شب، یادگار، محبس، غزل، افسانه، کک‌کی، سیولیشه، هست شب، برفراز دشت، خانه‌ام ابری است، آی آدمها، مرغ غم، وای بر من، ققنوس، تو را من چشم در راهم، بر سر قایقش، مهتاب، شب همه شب، داروگ، در کنار رودخانه، هاد، می‌باشد).

## ۲-۲ نگاهی گذرا به زندگی و آثار نیما یوشیچ

علی اسفندیاری (نیما یوشیچ) از پدری خان‌زاده به نام "ابراهیم" و مادری از خاندان علم و هنر به نام "طوبی" در سال ۱۲۷۶ هجری شمسی در "یوش" از دهات شهرستان نور مازندران به دنیا آمد. پدرش با

کشاورزی و گلهداری، گذران می‌کرد و خود او از همان آغاز کودکی تا سن دوازده سالگی با چراگاه‌ها و کوهستان‌ها و خلاصه با طبیعت زنده، آشنایی نزدیک داشت و میان چادرنشینان و قبایل کوهستانی به سر می‌برد. (علی پور، ۱۳۱۵، ص ۱۳)

خود نیما درباره‌ی زندگی‌اش می‌گوید: «در سال ۱۳۱۵ ه.ق ابراهیم نوری -مرد شجاع و عصبانی- از افراد یکی از دودمان‌های قدیمی شمال ایران محسوب می‌شد. من پسر بزرگ او هستم، پدرم در این ناحیه به زندگانی کشاورزی و گلهداری خود مشغول بود. در پاییز همین سال زمانی که او در مسقط الرأس بیلاقی خود (یوش) منزل داشت، من به دنیا آمدم. پیوستگی من از طرف جده، به گرجی‌های متواری، از دیر زمانی در این سرزمین می‌رسد.

زندگی بدوی من در بین شبانان و ایلی‌بانان، گذشت که به هوای چراگاه به نقاط دور بیلاق - قشلاق می‌کنند و شب، بالای کوه‌ها ساعات طولانی با هم به دور آتش جمع می‌شوند. از تمام دوره‌ی بچگی خود، من به جز زد و خورد‌های وحشیانه و چیزهای مربوط به زندگی کوچ نشینی و تفریحات ساده‌ی آنها در آرامش یکنواخت و کور و بی‌خبر از همه جا، چیزی به خاطر ندارم.

در همان دهکده که من متولد شدم، خواندن و نوشتن را نزد آخوند ده یاد گرفتم. او مرا در کوچه باغ‌ها دنبال می‌کرد و به باد کتک می‌گرفت. پاهای نازک مرا به درخت‌های ریشه و گزنده‌دار می‌بست، با ترکه‌های بلند می‌زد و مرا مجبور می‌کرد به از برکردن نامه‌هایی که معمولا اهل خانواده‌ی دهاتی به هم می‌نویسند و خودش آنها را به هم چسبانده بود و برای من طومار درست کرده بود. اما یک سال که به شهر آمده بودم، اقوام نزدیک من، مرا به همپای برادر کوچکترم (لادین) به یک مدرسه‌ی کاتولیک وا داشتند. تا آن وقت این مدرسه در تهران به مدرسه‌ی عالی سن لویی شهرت داشت. دوره‌ی تحصیل من از اینجا شروع می‌شود. سال‌های اول زندگی مدرسه‌ی من، به زدو خورد با بچه‌ها گذشت. هنر من، خوب پریدن و با رفیقم، "حسین پژمان" فرار از محوطه‌ی مدرسه بود. فقط نمرات نقاشی به داد من می‌رسید. اما بعدها در مدرسه، مراقبت و تشویق یک معلم خوش‌رفتار که "نظام وفا" شاعر بنام امروز باشد، مرا به خط شعر گفتن انداخت.

این تاریخ مقارن بود با سال‌هایی که جنگ‌های بین‌المللی ادامه داشت. من در آن وقت، اخبار جنگ‌ها را به زبان فرانسه می‌توانستم، بخوانم. شعرهای من در آن وقت به سبک خراسانی بود که همه چیز در آن یک جور و به طور کلی دور از طبیعت واقع و کمتر مربوط با خصایص زندگی شخص گوینده وصف می‌شود. آشنایی با زبان خارجه، راه تازه‌ای در پیش چشم من گذاشت؛ ثمره‌ی کاوش من در این راه، بعد از جدایی از مدرسه و گذرانیدن دوران دلدادگی بدانجا می‌انجامد که ممکن است در منظومه‌ی «افسانه» من دیده شود. قسمتی از این منظومه در روزنامه‌ی دوست شهید من "میرزاده عشقی" چاپ شد. ولی قبلا در

سال ۱۳۰۰ منظومه‌ای به نام «قصه‌ی رنگ پریده» انتشار داده بودم. من پیش از آن شعری در دست ندارم. در پاییز سال ۱۳۰۱ نمونه‌ی دیگر از شیوه‌ی کار خود "ای شب" را که پیش از این تاریخ سروده بودم و دست به دست، خوانده و رانده شده بود، در روزنامه‌ی هفتگی نوبهار دیدم. شیوه‌ی کار در هر کدام از این قطعات تیر زهرآگینی، مخصوصاً در آن زمان به طرف طرفداران سبک قدیم آنها را قابل درج و انتشار نمی‌دانستند.

در اشعار آزاد من وزن و قافیه به حساب دیگر گرفته می‌شوند. کوتاه و بلند شدن مصرع‌ها در آنها بنابر هوس و فانتزی نیست. من برای بی‌نظمی هم به نظمی، اعتقاد دارم. هر کلمه‌ی من از روی قاعده‌ی دقیق به کلمه‌ی دیگر می‌چسبد. شعر آزاد سرودن برای من دشوارتر از غیر آنست.

مایه‌ی اصلی اشعار من رنج من است. گوینده‌ی واقعی باید آن مایه، را داشته باشد، من برای رنج خود شعر می‌گویم. فرم و کلمات و وزن و قافیه در هر وقت برای من ابزارهایی بودند که مجبور به عوض کردن آنها بوده‌ام تا با رنج من و دیگران بهتر سازگار باشد.

من مخالف بسیار دارم، چون خود من به طور روزمره دریافته‌ام، مردم هم باید روزمره دریابند. این کیفیت تدریجی و نتیجه‌ی کار است. مخصوصاً بعضی از اشعار مخصوص‌تر به خود من برای کسانی که حواس جمع در عالم شاعری ندارند مبهم است. اما انواع شعرهای من زیادند. چنان که دیوانی به زبان مادری خود به اسم "روجا" دارم. می‌توانم بگویم من به رودخانه‌ی شبیه هستم که از هر کجای آن لازم باشد بدون سر و صدا می‌توان آب برداشت. خوشایند نیست اسم بردن از داستان‌های منظوم خود به سبک‌های مختلف که هنوز به دست مردم نیامده است. باقی شرح حال من همین می‌شود. در تهران می‌گذرانم، زیادی می‌نویسم، کم انتشار می‌دهم و این وضع مرا از دور، تنبل جلوه می‌دهد. (طاهباز، ۱۳۸۳، ص ۱-۴)

"نیما یوشیج" در سال ۱۲۸۸ در سن دوازده سالگی به همراه خانواده‌اش به تهران عزیمت کرد؛ و در این شهر، ابتدا به دبستان "حیات جاوید" و سپس به مدرسه‌ی متوسطه‌ی کاتولیک "سن لویی" رفت. در همین مدرسه بود که نیما، ادبیات، زبان فرانسه و نقاشی آموخت. در بیست سالگی، در سال ۱۲۹۶ وی موفق به دریافت تصدیق نامه از مدرسه‌ی عالی "سن لویی" می‌شود و این پایان تحصیلات رسمی اوست. (همان، ص ۷۳)

در سال ۱۲۹۸ در وزارت مالیه (دارایی) شروع به کار می‌کند و ظاهراً استخدام در وزارت مالیه، نخستین کار اداری‌اش به شمار می‌آید. نیما پس از هشت سال کار مداوم در وزارت مالیه می‌نویسد: «کار مالیه هم خسته کننده بود. بستگان پدرم، پدرم را همین طور مثل من به امیدهای بیخودی، گول زده